

زبان بدن و نشانه‌شناسی عواطف انسانی در لیلی و مجنون

مریم جبروتیان^۱، علیرضا قوجه زاده^۲، مرجان علی اکبرزاده زهتاب^۳، پرستو یمینی^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: Alirezaghojzade@yahoo.com

چکیده

مقاله حاضر به بررسی زبان بدن و نشانه‌شناسی عواطف انسانی در داستان لیلی و مجنون اثر نظامی گنجیه‌ای می‌پردازد. این پژوهش با تمرکز بر عواطفی چون بخشندگی، اعتدال، ایثار، عاشق شدن، احتیاط، تسلیم و قناعت، نشان می‌دهد که چگونه این احساسات در قالب نشانه‌های غیرکلامی و زبان بدن شخصیت‌ها به تصویر کشیده شده است. با استفاده از روش‌های تحلیلی نشانه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، پژوهش حاضر به بررسی چگونگی انعکاس این عواطف در حرکات بدنی، حالات چهره، و رفتارهای نمادین شخصیت‌های داستان می‌پردازد. در این راستا، تأکید ویژه‌ای بر رابطه‌ای است که میان نشانه‌ها و مفاهیم عاطفی در متن شکل می‌گیرد، به‌ویژه اینکه چگونه این مفاهیم از طریق نشانه‌های غیرکلامی، مانند بخشیدن مال و دارایی، پذیرفتن دوری از معشوق و دیگر رفتارهای فیزیکی و نمادین، به خواننده منتقل می‌شود. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که نظامی چگونه با بهره‌گیری از زبان بدن و نشانه‌های ظریف، به تجسم و انتقال مفاهیم اخلاقی و انسانی می‌پردازد، و بدین ترتیب، داستان لیلی و مجنون تنها به روایت یک عشق شورانگیز محدود نمی‌شود، بلکه حاوی پیام‌های عمیق اجتماعی و روان‌شناختی است که در عمق رفتارها و زبان بدن شخصیت‌ها نهفته است.

کلیدواژگان: زبان بدن، ارتباطات غیرکلامی، لیلی و مجنون، نظامی گنجوی.



شیوه استناددهی: جبروتیان، مریم، قوجه زاده، علیرضا، علی اکبرزاده زهتاب، مرجان، و یمینی، پرستو. (۱۴۰۳). زبان بدن و نشانه‌شناسی عواطف انسانی در لیلی و مجنون. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۳۲(۳)، ۶۵-۸۰.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۳۱ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۸ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۹ مهر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۷ آبان ۱۴۰۳

The Treasury of Persian Language and Literature

Body Language and the Semiotics of Human Emotions in Layla and Majnun

Maryam Jabrotian¹, Alireza Ghojzadeh^{2*}, Marjan Ali Akbarzadeh Zehtab², Marjan Ali Akbarzadeh Zehtab²

1. PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

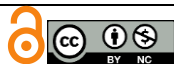
2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: Alirezaghojzade@yahoo.com

Abstract

The present article examines body language and the semiotics of human emotions in the story of Layla and Majnun by Nezami Ganjavi. This study, focusing on emotions such as generosity, moderation, self-sacrifice, falling in love, caution, submission, and contentment, demonstrates how these feelings are portrayed through nonverbal signs and the body language of the characters. Utilizing semiotic analysis and social psychology methodologies, this research investigates how these emotions are reflected in bodily movements, facial expressions, and symbolic behaviors of the story's characters. In this regard, special emphasis is placed on the relationship between signs and emotional concepts in the text, particularly how these concepts are conveyed to the reader through nonverbal signs such as the act of giving wealth and possessions, accepting separation from the beloved, and other physical and symbolic behaviors. This study also reveals how Nezami, by employing body language and subtle signs, embodies and conveys ethical and humanistic concepts. Thus, Layla and Majnun is not merely a tale of passionate love; rather, it carries profound social and psychological messages embedded within the characters' behaviors and body language.

Keywords: *Body language, nonverbal communication, Layla and Majnun, Nezami Ganjavi.*



How to cite: Jabrotian, M., Ghojzadeh, A., Ali Akbarzadeh Zehtab, M., & Yamini, P. (2024). Body Language and the Semiotics of Human Emotions in Layla and Majnun. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 2(3), 65-80.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 22 August 2024

Revise Date: 19 September 2024

Accept Date: 10 October 2024

Publish Date: 28 October 2024

مقدمه

زبان بدن یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتباط غیرکلامی است که در کنار زبان گفتاری، نقش مؤثری در انتقال احساسات، افکار و بازتاب‌های اجتماعی ایفا می‌کند. حرکات بدن، حالات چهره، تماس چشمی و سایر نشانه‌های غیرکلامی می‌توانند معانی عمیقی را منتقل کنند که در بسیاری از موارد، گفتار قادر به بیان کامل آن‌ها نیست. در متون ادبی، به‌ویژه ادبیات کلاسیک فارسی، زبان بدن به‌عنوان ابزاری برای تقویت شخصیت‌پردازی و ایجاد فضایی عاطفی و اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است.

با اینکه زبان متداول‌ترین وسیله برقراری ارتباط است، باید گفت که کلمات، تنها وسیله تبادل اطلاعات نیستند و در بسیاری اوقات، ارتباط به صورت غیر کلامی نیز برقرار می‌شود که اهمیت آن از اهمیت ارتباطات کلامی کمتر نیست و حتی بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که ارتباطات غیر کلامی از نظر صحت بر ارتباطات کلامی ارجحیت دارد؛ زیرا ارتباطات غیرکلامی از مکنونات قلبی و درونی انسان سرچشمه گرفته و چندان قابل کنترل و تحریف نیست. همچنین بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که فقط یک سوم مفاهیم از طریق واژه‌ها انتقال می‌یابد و دو سوم دیگر آن از طریق غیر کلامی منتقل می‌شود (1).

پیام‌رسانی از طریق بدن، به‌عنوان یکی از اجزای بنیادین روان‌شناسی اجتماعی و ابزارهای آموزشی در عرصه‌های مختلف حرفه‌ای، جایگاه ویژه‌ای دارد. این پدیده نه تنها در زمینه‌های مدیریتی و آموزشی، بلکه در حوزه‌های اجتماعی و جامعه‌شناسی نیز اهمیت زیادی پیدا کرده است. در حقیقت، هر فردی که در مشاغل مرتبط با مسائل اجتماعی به فعالیت مشغول است، از جمله قاضی، وکیل، آموزگار، بازیگر، و بسیاری دیگر از حرفه‌ها، می‌تواند از این ابزار قدرتمند به‌عنوان ابزاری برای برقراری ارتباط مؤثرتر و درک عمیق‌تر عواطف و احساسات دیگران بهره‌برداری کند. زبان بدن، به‌ویژه در فرآیندهای غیرکلامی، توانایی انتقال اطلاعات

پیچیده و حتی عواطف نهان را دارد، چیزی که زبان گفتاری نمی‌تواند به همان سرعت و دقت انجام دهد. این امر اهمیت روان‌شناختی و اجتماعی آن را دوچندان می‌کند و موجب می‌شود که بررسی و درک این پیام‌ها به ابزاری ضروری در تحلیل رفتارهای انسانی تبدیل شود. بدین ترتیب، زبان بدن به‌عنوان یکی از حوزه‌های تخصصی روان‌شناسی اجتماعی، در سال‌های اخیر با رشد فزاینده‌ای روبه‌رو بوده و کاربردهای زیادی در زمینه‌های گوناگون پیدا کرده است (2).

اگر بخواهیم به بررسی این مقوله از دیدگاه زبان‌شناسی بپردازیم، موضوع پیام‌رسانی غیرکلامی به شاخه‌هایی چون کاربردشناسی و جامعه‌شناسی زبان مرتبط می‌شود. در این راستا، زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان زبان به تجزیه و تحلیل نحوه انتقال معانی از طریق سیگنال‌های غیرکلامی می‌پردازند. این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه حرکات بدنی، حالات چهره، تغییرات لحن صدا و حتی فواصل فیزیکی میان افراد، می‌تواند پیام‌هایی را منتقل کند که در بسیاری از موارد حتی از کلمات، قدرتمندتر و صریح‌تر هستند. بنابراین، در این راستا دو مقوله اساسی و متداخل داریم: یکی نشانه‌شناسی، که به مطالعه نظام‌مند نشانه‌ها و معانی آن‌ها در رفتارهای غیرکلامی می‌پردازد و دیگری ارتباط غیرکلامی که به تحلیل و تفسیر پیام‌های منتقل‌شده از طریق حرکت بدن، چهره و دیگر عناصر غیرکلامی اشاره دارد. این دو مقوله، در هم‌افزایی با یکدیگر، به ما کمک می‌کنند تا دنیای پیچیده ارتباطات انسانی را بهتر درک کنیم و نقش زبان بدن را در آن آشکار سازیم (2).

در نهایت، این دو شاخه نه تنها به ما ابزاری می‌دهند برای تحلیل دقیق‌تر رفتارهای انسانی در موقعیت‌های مختلف اجتماعی و حرفه‌ای، بلکه به عنوان یکی از ارکان مهم در آموزش‌های حرفه‌ای، به افراد کمک می‌کنند تا در برقراری ارتباطات مؤثرتر و تأثیرگذارتر عمل کنند. از این رو، آگاهی از زبان بدن و نشانه‌شناسی آن نه تنها برای متخصصان این حوزه‌ها، بلکه برای عموم افراد نیز به ابزاری

ضروری تبدیل شده است که می‌تواند به بهبود روابط اجتماعی و شخصی‌شان منجر شود.

یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های این کاربرد، «لیلی و مجنون» نظامی گنجه‌ای است که در آن زبان بدن نه تنها در توصیف احساسات شخصیت‌های اصلی نقش کلیدی دارد، بلکه ابزاری برای بازتاب مناسبات اجتماعی و هنجارهای فرهنگی دوره نظامی محسوب می‌شود. مجنون، که نماد شوریدگی و عشق آتشین است، از طریق حرکات بی‌قرار، نگاه‌های نافذ و ژست‌های معنادار، وضعیت درونی و اجتماعی خود را به نمایش می‌گذارد. در مقابل، لیلی با حرکات محدود، سر به زیری و رفتارهای کنترل‌شده، بازتابی از قیود اجتماعی و جایگاه زن در نظام ارزشی آن دوران را نشان می‌دهد. این رفتارهای غیرکلامی، همان‌طور که در مطالعات زبان بدن تأکید شده، می‌توانند احساسات واقعی و ناگفته شخصیت‌ها را نمایان سازند و به خواننده درک عمیق‌تری از روابط انسانی و جامعه بازتاب‌یافته در اثر ارائه دهند.

این پژوهش به بررسی نقش زبان بدن در «لیلی و مجنون» می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه حرکات و حالات جسمانی شخصیت‌ها به عنوان ابزاری برای بیان احساسات و ساختارهای اجتماعی عمل می‌کنند. همچنین، این مقاله تلاش دارد تا پیوند میان زبان بدن و بازتاب‌های اجتماعی را در این اثر تبیین کند و به این پرسش پاسخ دهد که چگونه نظامی از نشانه‌های غیرکلامی برای تقویت معنا و تأثیرگذاری روایت بهره گرفته است.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکردی کیفی و تحلیلی-توصیفی انجام شده است و بر اساس مطالعه کتابخانه‌ای به بررسی زبان بدن و بازتاب اجتماعی آن در لیلی و مجنون نظامی گنجه‌ای می‌پردازد. این پژوهش از نوع کیفی است و با روش تحلیل محتوا، نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی غیرکلامی به بررسی زبان بدن در متن لیلی و مجنون می‌پردازد. چارچوب نظری پژوهش مبتنی بر دیدگاه‌های زبان بدن

و نظریات نشانه‌شناختی در تحلیل متون ادبی است. از این طریق، نشانه‌های غیرکلامی در متن شناسایی شده و ارتباط آن‌ها با فضای اجتماعی و فرهنگی دوره نظامی تحلیل می‌شود. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. بدین منظور، نسخه معتبر «لیلی و مجنون» نظامی گنجوی شرح و توضیح بهروز ثروتیان، کتاب‌ها و مقالات مرتبط با زبان بدن و مقالات علمی مرتبط با تحلیل زبان بدن در متون ادبی و مطالعات اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفت.

مفاهیم نظری پژوهش

الف: زبان بدن

«زبان بدن» روشی ارتباطی است که گام، چهره، کلمه، دست و زبان خود را داراست و اگر این کلمات ناساخته از حروف با دستور و قواعد خاص خود، به درستی ادا شود و حرکات اعضای بدن با آن هماهنگ نباشد و به یکدیگر نپیوندد، «عبارات غیرشفاهی و حالات غیرمنتظره‌ای» را تشکیل می‌دهند. این عبارات بعد از متصل شدن به یکدیگر عبارات و جملاتی را خواهند ساخت تا پیام‌های ما را به دیگران منتقل کنند. (3). به این ترتیب، گفتار بی‌صدا «در اغلب برخوردهای اجتماعی می‌تواند نقشی تعیین‌کننده داشته باشد و حتی موفقیت یا شکست افراد را رقم بزند» (4). زبان بدن به معنای عبور از کلام و ایجاد ارتباط از طریق عناصر غیرکلامی یا زبان خاموش است (5).

ب: مختصری درباره لیلی و مجنون

«لیلی و مجنون» یکی از برجسته‌ترین منظومه‌های عاشقانه در ادب فارسی است که نظامی گنجه‌ای (۶۱۴-۵۳۵ ه‍.ق) آن را در حدود سال ۵۸۴ هجری قمری به نظم درآورد. این اثر بر اساس داستانی قدیمی و ریشه‌دار در ادبیات عرب شکل گرفته و نظامی با بهره‌گیری از نثرهای کهن و روایت‌های شفاهی، آن را به شعری پر از احساس و تصاویر بدیع تبدیل کرده است. «لیلی و مجنون» روایت عشق ناکام قیس (مجنون) به لیلی است؛ عشقی که با موانع

اجتماعی و سنت‌های قبیله‌ای روبه‌رو شده و در نهایت به وصال زمینی نمی‌انجامد. ویژگی شاخص این منظومه، پرداخت عمیق به روان‌شناسی شخصیت‌ها و بازتاب احساسات آن‌ها از طریق زبان بدن و توصیفات شاعرانه است. نظامی در این اثر، نه تنها به احساسات درونی مجنون و لیلی پرداخته، بلکه از رفتارهای غیرکلامی آن‌ها همچون نگاه‌های حسرت‌بار، حرکات بی‌قرار و اشارات معنادار برای نمایش عمق عاطفی و اجتماعی عشق استفاده کرده است. این جنبه از اثر، آن را به منبعی ارزشمند برای مطالعه ارتباطات غیرکلامی و بازتاب‌های اجتماعی در ادبیات کلاسیک فارسی تبدیل کرده است.

بحث و بررسی

ادبیات کلاسیک فارسی، علاوه بر زیبایی‌های زبانی و بیانی، بستری غنی برای مطالعه مفاهیمی چون زبان بدن و شیوه‌های غیرکلامی انتقال معناست. یکی از آثاری که می‌تواند از این منظر بررسی شود، «لیلی و مجنون» نظامی است؛ اثری که سرشار از توصیفات حرکات، اشارات و جلوه‌های غیرکلامی احساسات شخصیت‌هاست. در این بخش، تلاش بر آن است که با بررسی ابعاد مختلف زبان بدن در این منظومه، میزان تأثیر حرکات، اشارات و جلوه‌های فیزیکی شخصیت‌ها را در روایت و انتقال احساسات تحلیل کنیم. از این طریق، درخواهیم یافت که چگونه نظامی از زبان بدن به عنوان ابزاری برای تعمیق مضامین عاشقانه و عاطفی بهره برده است.

الف: خویشتن داری

«نشانه‌شناسی دارای همه وسایل به کار رفته در جامعه انسانی است که هدف آن ایجاد ارتباط است و عبارات زبانی و وسایل غیرزبانی از قبیل اشارات و حرکات را در بر می‌گیرد (6). گاهی شاعر یا نویسنده به جای آنکه به‌طور مستقیم ویژگی خاصی را بیان کند، آنچه را که قابل مشاهده است توصیف کرده و از آن نتیجه‌گیری می‌کند. برای مثال، نظامی به جای آنکه به‌طور مستقیم

به خویشتن‌داری لیلی اشاره کند، تنها به این بسنده می‌کند که او در کنار همسرش زندگی می‌کند، بدون آنکه ارتباطی فراتر از آن با او داشته باشد. این شیوه بیان، به‌طور غیرمستقیم به ویژگی‌های اخلاقی و درونی شخصیت‌ها اشاره می‌کند و خواننده را به استنباط و تفسیر آنچه در پس رفتارهای ظاهری نهفته است، سوق می‌دهد: مه را نگرفت کس در آغوش این نکته مگر شدش فراموش

(7)

تحلیل: این بیت اشاره به مفهوم خویشتن‌داری دارد. در اینجا شاعر بیان می‌کند که "مه" که استعاره از لیلی و نماد زیبایی و جذابیت است، در آغوش هیچ‌کس نمی‌افتد. این رفتار می‌تواند نمادی از خودداری و جلوگیری از افراط در احساسات باشد، در این بیت عدم تماس فیزیکی در معنای خویشتن‌داری به کار رفته است، وقتی که گفته می‌شود "مه را نگرفت کس در آغوش"، این نشان‌دهنده نوعی اجتناب از برقراری ارتباط جسمی است. در زبان بدن، عدم تماس یا دوری گرفتن از کسی که از نظر احساسی برای فرد جذابیت زیادی دارد، می‌تواند نشان‌دهنده خویشتن‌داری و کنترل نفس باشد.

تا آن زمان که ابن‌سلام، لیلی را دید و فکر ازدواج با لیلی در سر او نقش بست، کسی لیلی را در آغوش نگرفته بود به عبارت دیگر لیلی اجازه این کار را به کسی نداده بود. این مطلب به خویشتن‌داری و نجابت لیلی اشاره دارد.

و آن جفت نهاده گر چه جفتست سر با سر من شبی نخفتست

(7)

لیلی در نامه‌ای برای مجنون چنین می‌نویسد: اگرچه من با ابن‌سلام ازدواج کرده‌ام و به عقد او درآمده‌ام، اما یک شب هم سرمان را روی یک بالش نگذاشته‌ایم و با هم، همبستر نشده‌ایم و این موضوع بیانگر خویشتن‌داری آن‌ها است.

تحلیل: بیت اشاره به رابطه‌ای دارد که به‌طور خاص در آن به مفهوم «جفت» اشاره شده است. می‌توان آن را به عنوان اشاره‌ای به وجود یک رابطه عاطفی یا فیزیکی تفسیر کرد که در ابن‌سلام بعنوان

جفت یا شریک، در کنار لیلی است، اما باوجودی که «جفت» است، هیچ‌گونه اتصال و ارتباط عاطفی یا فیزیکی به‌طور کامل شکل نگرفته است. این می‌تواند به نوعی مفهوم خویش‌داری و دوری از افراط در عشق یا احساسات اشاره داشته باشد، جایی که شخص علی‌رغم حضور «جفت» در کنار خود، از واکنش‌ها و تمایلات خودداری می‌کند.

از شهوت عذرهای خاکی معصوم شده به غسل پاکی (7)

در قسمتی از داستان مجنون به سلام بغدادی می‌گوید: من با انجام دادن غسل پاکی، در برابر خواهش‌های نفسانی و شهوت‌های جسمانی، پاک‌دامن و پارسا هستم. این مطلب، بیانگر خصلت خویش‌داری مجنون است. تحلیل: این بیت به‌طور واضح به خویش‌داری و کنترل تمایلات جسمانی اشاره می‌کند و مفهوم معنوی خود را در قالب کنترل احساسات و رفتارهای فانی بیان می‌کند. در واقع، این بیت می‌تواند به‌عنوان یک بیان از فرآیند پاک‌سازی از تمایلات دنیوی و دوری از افراط در نظر گرفته شود. همچنین «غسل پاکی» به‌عنوان یک عمل تطهیر و تجدید حیات معنوی، به معنای رهایی از گناه‌ها و عادات ناپسند است. این عمل می‌تواند نماد خویش‌داری و تمایل به پاکیزگی درونی باشد.

ب: اعتدال و میانه روی

در ابیات زیر، نظامی به‌جای آنکه به‌طور مستقیم اشاره کند که شخصیت‌ها جانب اعتدال و میانه‌روی را رعایت می‌کردند، به رفتارهایی که نشانه‌گر این ویژگی هستند اشاره می‌کند. او با به تصویر کشیدن کنش‌ها و واکنش‌های شخصیت‌ها، به‌طور غیرمستقیم این حقیقت را نشان می‌دهد که آن‌ها در مواجهه با احساسات و موقعیت‌ها، از افراط و تفریط دوری کرده و در مسیر اعتدال گام برمی‌داشتند:

نیمی من و نیمی او ستاند گردی به میانه در نماند

(7)

پیرزن به مجنون می‌گوید: هر چه مردم به ما کمک کنند، نیمی را من برمی‌دارم و نیمهٔ دوم آن را این مرد در بند برمی‌دارد. به‌طور مساوی سهم برداشتن، حاکی از اعتدال است.

این بیت به مفهوم تقسیم برابر اشاره دارد. شاعر می‌گوید که هر یک از طرفین (یا اجزاء یک موضوع) باید سهمی مساوی و عادلانه از چیزی (چه مالی و چه معنوی) بگیرند. این نشان‌دهندهٔ عدالت در توزیع و تقسیم منابع است. هیچ چیزی نباید به نفع یک طرف یا گروه خاص برتری یابد. بلکه باید هر دو طرف به‌طور عادلانه سهم خود را دریافت کنند تا هیچ‌گونه عدم توازن یا بی‌عدالتی باقی نماند.

تحلیل: بیت با اشاره به تقسیم عادلانه و میانه‌روی، بر لزوم عدالت و اعتدال در تصمیم‌گیری‌ها تأکید دارد. در زبان بدن، این مفهوم به‌طور واضح از طریق حرکات بدنی متعادل و بی‌طرفانه نمایان می‌شود. فردی که به دنبال تقسیم عادلانه است، می‌تواند این ویژگی‌ها را در حرکات بدن، چهره و حالات بدنی خود به نمایش بگذارد، و در این مسیر از افراط و تفریط دوری می‌کند.

در ترس چنان امیدوار هست در وقت امید، ترس کاریست

(7)

ترس از پروردگار و امید به شفقت و بخشش خداوند، هر دو، کارساز و امیدوارکننده می‌باشد. (همان، ۴۸۴) به‌هنگام ترس، امیدوار بودن و به‌هنگام امیدواری ترس داشتن، بیانگر اعتدال و میانه‌روی است.

تحلیل: این بیت به پیچیدگی‌های ذهنی انسان در مواجهه با ترس و امید اشاره دارد. در زبان بدن، این دو احساس می‌توانند خود را به‌طور کاملاً متفاوت نشان دهند. در مواقع ترس، فرد می‌تواند از طریق حالات اضطرابی و حرکات محتاطانه آن را نشان دهد، در حالی که در مواقعی که امید وجود دارد، باید اعتماد به نفس و آرامش در حرکات بدنی او به وضوح دیده شود. در نهایت، این

بیت بر این نکته تأکید دارد که باید بدانیم که در مواجهه با ترس، امید داشتن و در شرایط امیدواری، ترس داشتن و به تبع آن احتیاط کارساز است.

ج: قناعت

نشانه‌ها در ارتباطات روزمره سه کاربرد ویژه دارند؛ یا بجای پیامهای کلامی به کار می‌روند، مثلاً بجای تایید و رد از حرکات سر استفاده می‌شود؛ یا پیامهای کلامی را تقویت می‌کنند و یا اینکه در جهت خلاف و رد پیامهای کلامی عمل می‌کنند (8، 9).

در ابیات زیر از لیلی و مجنون، مجنون به کمترین چیز از معشوق خود راضی است و این رضا را نه تنها با نداشتن هیچ‌گونه درخواست از او، بلکه با پذیرش جدایی و دوری از معشوق نشان می‌دهد. او با دل‌آرامی و فروتنی نشان می‌دهد که هیچ‌گونه خواسته‌ای جز حضور و عشق معشوق ندارد و حتی دوری از او را با جان و دل می‌پذیرد.

کز من غرض تو برنخیزد گر تیغ تو خون من بریزد

چون ابن‌سلام دید سوگند زآن بت به سلام گشت خرسند

(7)

لیلی بعد از ازدوج با ابن‌سلام به او اجازه همبستر شدن نداد و در این مورد سوگند یاد کرد. ابن‌سلام وقتی برخورد لیلی و سوگند او و حرف‌های او را شنید، از آن زیبارو فقط به سلامی، دلش را خشنود می‌کند. این امر از قناعت او حکایت می‌کند.

تحلیل: این بیت اشاره دارد به این که قناعت می‌تواند در قالب زبان بدن نیز بازتاب پیدا کند. در اینجا، ابن‌سلام با دیدن یک سلام و سوگند راضی و خرسند می‌شود که نشان می‌دهد افراد قانع با نشانه‌های اندک نیز احساس رضایت و آرامش می‌کنند. این بیت از نظر اجتماعی و اخلاقی، قناعت را به عنوان یک ارزش مثبت معرفی می‌کند و نشان می‌دهد که رضایت به آنچه هست، بدون اصرار بر دریافت بیشتر، نشانه‌ای از آرامش درونی و بلوغ فکری

است. از نظر زبان بدن، این مفهوم را می‌توان در راضی شدن ابن‌سلام به یک سلام مشاهده کرد.

خرسند شوم به یک نظاره زآن به که کند ز من کناره

(7)

ابن‌سلام از آن جهت که لیلی از او کناره‌نگیرد و دور نشود ترجیح می‌داد که به دیدار لیلی، خود را خشنود سازد. این رفتار ابن‌سلام از قناعت و بسندگی او به نگاهی حکایت می‌کند.

تحلیل: این بیت از لحاظ محتوایی و زبان بدن نشان می‌دهد که قناعت در عشق، نشانه‌ای از عشق بی‌چشم‌داشت است، اما همزمان ترس از طرد شدن نیز در آن موج می‌زند. نشانه‌های زبان بدن یک عاشق قانع شامل تماشای عاشقانه، تغییرات کوچک در چهره، لبخندهای ظریف، و حتی کمی اضطراب در صورت بی‌توجهی معشوق است. «وقتی فردی دچار احساس انتظار و وابستگی عاطفی است، زبان بدنش ترکیبی از اشتیاق و اضطراب خواهد بود».

گشتم به عقوبت تو خرسند اینک سر و پای هر دو در بند

(7)

زمانی که مجنون از پیرزنی که یک مرد را در غل و زنجیر کرده و او را با خود می‌برد می‌خواهد که او را رها کن و من را با خودت ببر، من چیزی از آنچه قرار است مردم بدهند نمی‌خوام و همه آن را تو می‌توانی برداری، مجنون از نزدیکی خانه لیلی می‌گذرد و فریاد می‌زند که اکنون دست و پای من هر دو در بند است و من به مجازات تو راضی و قانع شده‌ام.

تحلیل: این ابیات نمادی از قناعت و پذیرش شرایط دشوار هستند. شخصیت‌ها به رغم مواجهه با محدودیت‌ها و دشواری‌ها، از آنها راضی و خوشنود هستند. از منظر زبان بدن، این مفهوم از پذیرش شرایط و آرامش درونی به‌طور طبیعی از طریق عدم حرکت مقاومت‌آمیز و چهره‌ای آرام و راضی نمایش داده می‌شود. این نوع قناعت، به ویژه در داستان‌های عاشقانه، نشان‌دهنده پذیرش و تسلیم به سرنوشت و عشق است. در اینجا، مجنون به‌طور آگاهانه از ناراحتی‌ها و بندها راضی است و به‌طور ضمنی از آنها لذت

می‌برد. این رضایت از شرایط دشوار به نوعی پذیرش و تسلیم به شرایط اشاره دارد که در فرهنگ‌های عاشقانه به قناعت در برابر معشوق تعبیر می‌شود. مجنون دیگر به دنبال فرار از مشکلات نیست، بلکه آن‌ها را به عنوان جزئی از عشق می‌پذیرد و از این پذیرش خوشحال است.

د: بخشندگی

زبان بدن گاه می‌تواند بعنوان یک مکمل معنایی عمل کند و یا اینکه ورای سخن گوینده با توجه به موقعیت و مفهومی که گوینده در پی آن است را آشکار سازد (10).

در ابیات زیر، نظامی به‌جای آنکه به‌طور مستقیم به بخشندگی پدر مجنون اشاره کند، با دقت و ظرافت به عواملی که موجب این بخشندگی شده‌اند اشاره می‌کند. او روایت می‌کند که پدر مجنون دارایی و مال فراوان خود را به نیازمندان می‌بخشد، بدون آنکه به‌طور صریح و مستقیم از این بخشندگی سخن بگوید. این شیوه بیان، با به کار بردن جزئیات و تصاویری ملموس، از سخاوت و بخشندگی او پرده بر می‌دارد:

می‌کرد بدین طمع کرم‌ها می‌داد به سائلین درم‌ها

(7)

پدر مجنون که به دیگران کمک می‌کرد، پول می‌داد، یا بخشش می‌کرد، این کار را بدون هیچ چشمداشت و انتظار خاصی انجام می‌داد و فقط امیدوار بود که خداوند به او فرزندی بدهد. بخشش او از روی خلوص نیت و دلسوزی واقعی است، نه برای جبران یا انتظار بازگشت چیزی.

تحلیل: این بیت نمایانگر یک بخشندگی بی‌ریا است که نه تنها در عمل بلکه در زبان بدن نیز به وضوح دیده می‌شود. فرد بخشنده نه تنها از نظر فیزیکی (با حرکت دادن دست‌ها یا لبخند و نگاه مهربان) بخشش خود را نشان می‌دهد، بلکه در سطح درونی نیز آزاد از طمع و انتظار است. این نوع بخشندگی، همراه با ویژگی‌هایی چون خویش‌داری، باعث می‌شود که بخشنده نه تنها

از نظر اخلاقی معتبرتر باشد، بلکه در سطح روابط انسانی نیز تأثیر مثبتی بر دیگران بگذارد.

چون دید پدر جمال فرزند بگشاد در خزینه را بند

(7)

زمانی که چشم پدر مجنون به دیدار جمال و زیبایی فرزندش روشن شد و خواسته‌ای که داشت مستجاب شده بود و خداوند به او فرزندی داده بود، شروع به بذل و بخشش کرد و در خزانه‌اش را باز کرد و از آن بخشید.

تحلیل: در زبان بدن، گشودن در یا برداشتن مانع، معمولاً با حرکت دست‌ها یا آزاد کردن قفل از چیزی همراه است. در این بیت، زمانی که پدر زیبایی فرزندش را می‌بیند، نشان‌دهنده گشایش ذهنی و احساسی او است. باز کردن در خزانه به این معنی است که موانع ذهنی یا احساسی کنار می‌روند و آمادگی برای بخشش و ارائه وجود دارد. نگاه و رفتار پدر نگاه محبت‌آمیز و لبخند در مواجهه با زیبایی فرزند نمایانگر تأثیر زیبایی و صفات نیکو بر احساسات پدر است. این رفتارهای غیرکلامی نشان‌دهنده دلبستگی و رضایت درونی پدر به فرزند است و درک عاطفی او از زیبایی، آسان‌گیری و بخشش را تسهیل می‌کند.

ه: عاشق شدن

در ابیات زیر، نظامی به‌جای آنکه به‌طور مستقیم عاشق شدن لیلی و مجنون را به تصویر بکشد، با استفاده از عبارات ظریف و شاعرانه‌ای همچون "دل به مهر هم بستند" و "از گل مهر روییدن"، به شکل‌گیری و رشد عشق میان آن دو اشاره می‌کند. این شیوه بیان، بدون آنکه به‌طور آشکار و صریح عشق آن‌ها را بیان کند، با تصاویری نمادین و شاعرانه، این تحول احساسی را در دل مخاطب تداعی می‌سازد:

او نیز هوای قیس می‌جست در سینه هر دو مهر می‌رُست

چون از گل مهر بو گرفتند با خود همه روزه خو گرفتند

کردند بهم بسی مدارا تا راز نگردد آشکارا

(۷)

زان پس چو به عقل بیش دیدند دزدیده به روی خویش دیدند

(۷)

لیلی و مجنون از آشکار شدن اسرارشان جلوگیری می‌کنند و سعی داشتند تا رازهای خود را مخفی نگه دارند. و سیاست و دقت پیش گرفتند تا هیچ چیزی به سرعت و به طور ناخواسته فاش نشود. و سعی داشتند رابطه‌شان را با احتیاط و بدون اطلاع کسی پیش ببرند.

تحلیل: این ابیات نشان‌دهنده اهمیت احتیاط و مدارا در روابط است. از منظر زبان بدن، این ویژگی‌ها می‌توانند در حرکات دقیق بدن، نگاه‌های ملایم، و فاصله‌گذاری‌های آگاهانه ظاهر شوند. در سطح مفهومی، این اشعار به این نکته اشاره دارند که در مواجهه با شرایط حساس، فرد باید با هوشیاری و دقت عمل کند و از هرگونه اقدام عجولانه‌ای که ممکن است موجب فاش شدن اطلاعات حساس شود، اجتناب کند.

ز: ایثار و از خود گذشتگی

در فرهنگ‌های مختلف، نشانه‌ها و علائم ویژه‌ای وجود دارند که می‌توانند معادل کلماتی باشند که در آن فرهنگ به کار می‌روند. برای مثال، غواصان پس از پوشیدن لباس غواصی خود، انگشتانشان را به شکل حلقه درمی‌آورند، که این حرکت به معنای "همه چیز خوب است" تعبیر می‌شود. با این حال، گاهی این نشانه‌ها در یک فرهنگ با معنای متفاوتی نسبت به دیگر فرهنگ‌ها ظاهر می‌شوند و نشان‌دهنده تفاوت‌های ظریف و معنایی بین ملت‌ها و سنت‌ها است (۱).

مثلاً در ابیات زیر، نظامی به جای آنکه به طور مستقیم ویژگی از خودگذشتگی مجنون را بیان کند، با دقت و ظرافت به تصویر کشیدن برخی از اعمال او، این ویژگی را به نمایش می‌گذارد. به عنوان نمونه، مجنون اسب خود را برای نجات جان آهوان

بیت به این معناست که عشق و محبت در دل هر دو طرف یعنی لیلی و مجنون در حال رشد بود. لیلی هم به طور درونی دچار احساسات عاشقانه نسبت به قیس شده است. این قسمت نشان‌دهنده عشق متقابل است که در دل لیلی شکل می‌گیرد و این احساس از نظر ذهنی به طور روزافزون در او حضور پیدا می‌کند. تحلیل: این ابیات نشان‌دهنده شکل‌گیری و گسترش عشق و محبت به طور طبیعی و تدریجی هستند. در زبان بدن، این تحولات عاطفی از طریق نزدیکی فیزیکی، حرکات دست و چشم، و حالات چهره قابل مشاهده است. از منظر مفهومی، این اشعار به زیبایی فرآیند رشد عاطفی و عاشقانه دو نفر را به تصویر می‌کشند که به طور غریزی و درونی به هم نزدیک شده و محبت و عشق در دل‌هایشان شکوفا می‌شود.

و: احتیاط کردن

گاهی فرد به منظور کنترل و نظارت بر احساسات و در مواقع پر تنش حرکات، اشارات و اعمالی را انجام می‌دهد. بیشتر افراد بدون اینکه دلیل آن را بدانند به کرات آن را در طول زندگی انجام می‌دهند (۱).

نظامی در ابیات زیر وقتی که همه از عشق پرشور لیلی و مجنون آگاه می‌شوند، به جای آنکه به طور مستقیم از احتیاط آن‌ها سخن بگوید، از تصاویری ظریف و هنرمندانه بهره می‌برد. او از مفاهیمی چون "دزدیده در هم نگریستن" و "دیدارهای پنهانی" استفاده می‌کند تا نشان دهد چگونه این دو عاشق در سایه اسرار و با دقت و حساسیت، عشق خود را از دید دیگران مخفی می‌داشتند. این انتخاب زبانی نظامی، نه تنها عمق احساسات پنهان آن‌ها را به نمایش می‌گذارد، بلکه نشان‌دهنده پیچیدگی و ظرافت در روابط انسانی است که به‌ویژه در روابط عاشقانه آشکار می‌شود.

می‌بخشد، آلات جنگی‌اش را برای نجات گوزنان در اختیار می‌گذارد و در مناجات خود در کعبه از خداوند می‌خواهد که حتی اگر او زنده نباشد، هیچ آسیبی به لیلی نرسد. این مثال‌ها به‌طور غیرمستقیم عمق ایثار و از خودگذشتگی مجنون را نشان می‌دهند، بی‌آنکه شاعر نیاز به ذکر مستقیم آن داشته باشد:

کز عشق به غایتی رسانم کو ماند اگرچه من نمانم
از عمر من آنچه هست بر جای بستان و به عمر لیلی افزای
گرچه شده‌ام چو موی از غم یک موی نخواهم از سرش کم
جانم فدایِ جمالِ بادش گر خون خوردَم حلال بادش

(7)

برای مجنون مهم نیست که خودش باقی بماند یا نه، بلکه هدفش این است که از طریق عشق به معشوق، به یک غایت عالی و هدف والایی برسد. مجنون همچنین می‌گوید که اگر عمر او به لیلی تعلق دارد، او آماده است تا این عمر را فدای معشوق کند. حتی اگر این فداکاری به قیمت از دست دادن عمر خودش باشد، برای او پذیرفتنی است. اگرچه از غم دوری او همچون موی لاغر و نحیف شده‌ام ولی حاضر نیستم حتی یک تار موی از سر او کم شود و حتی اگر او خون من را بریزد حلالش باشد و جانم را فدای او می‌کنم.

تحلیل: این ابیات به‌طور عمیق مفهوم ایثار و فداکاری عاشقانه را در برابر معشوق بیان می‌کنند. از نظر زبان بدن، این فداکاری از طریق نگاه‌های عاشقانه، حرکات‌های آرام و نزدیک شدن فیزیکی به معشوق در شرایطی که هیچ چیزی برای عاشق اهمیت ندارد جز رضایت معشوق، قابل مشاهده است. در سطح مفهومی، این

اشعار به زیبایی از گذشت و فدای عشق صحبت می‌کنند، که عاشق برای معشوق خود حتی جان خود را فدای جمال او می‌کند. مجنون به جواب آن تهدیدست از مرکب خود سبک فروجست آهو تگِ خویشان بدو داد تا گردن آهوان شد آزاد

(7)

این ابیات به زمانی اشاره می‌کند که مجنون در حین گذر از صحرا، آهوانی را می‌بیند که در دام صیادی افتاده‌اند، از صیاد می‌خواهد آن‌ها را رها کند و صیاد می‌گوید این روزی من است اگر می‌توانی بهای آن‌ها را پرداخت کن تا آن‌ها را رها کنم و مجنون اسبی که بر آن سوار است را به صیاد می‌بخشد و آهوان را نجات می‌دهد. تحلیل: این ابیات نشان‌دهنده فداکاری و ایثار عمیق مجنون در برابر دیگران هستند. از منظر زبان بدن، این مفاهیم به‌طور طبیعی از طریق حالت‌های فیزیکی متواضعانه مانند پایین آمدن از مرکب یا باز گذاشتن فضا برای دیگران ظهور می‌کنند. در سطح مفهومی، این اشعار درواقع به نوعی فداکاری بی‌قید و شرط و گذشت از خود برای رفاه و راحتی دیگران اشاره دارند، که در داستان‌های عاشقانه، به‌ویژه در داستان مجنون و لیلی، به وضوح قابل مشاهده است.

ک: تسلیم

گاهی در برخی ادبیات کلاسیک، نویسنده شخصیت داستان را تنها می‌گذارد و بجای اینکه مستقیماً بگوید که وی در حال گریستن است با اشاره به اینکه به نقطه‌ای خیره شده‌است، به عمق ناراحتی او اشاره دارد (1).

در ابیات زیر، نظامی به‌جای آنکه به‌طور مستقیم به شکست قبیله لیلی در برابر نوفل اشاره کند، با استفاده از زبان غیرمستقیم و هنرمندانه، به ماجرای رفتن پیران قبیله لیلی به نزد نوفل اشاره می‌کند. او می‌گوید که پیران نزد نوفل رفته و از او طلب بخشش می‌کنند، در حالی که با اعتراف به شکست، می‌گویند که در برابر

او سلاح انداخته‌اند و سپر خود را رها کرده‌اند. این شیوه بیان، به‌طور ظریف و هوشمندانه‌ای شکست و تسلیم شدن قبیله لیلی را به تصویر می‌کشد، بدون آنکه به‌طور صریح آن را بیان کند:

پیران قبیله خاک بر سر رفتند به خاک بوس آن در

کردند بسی خروش و فریاد کای داور داد ده بده داد

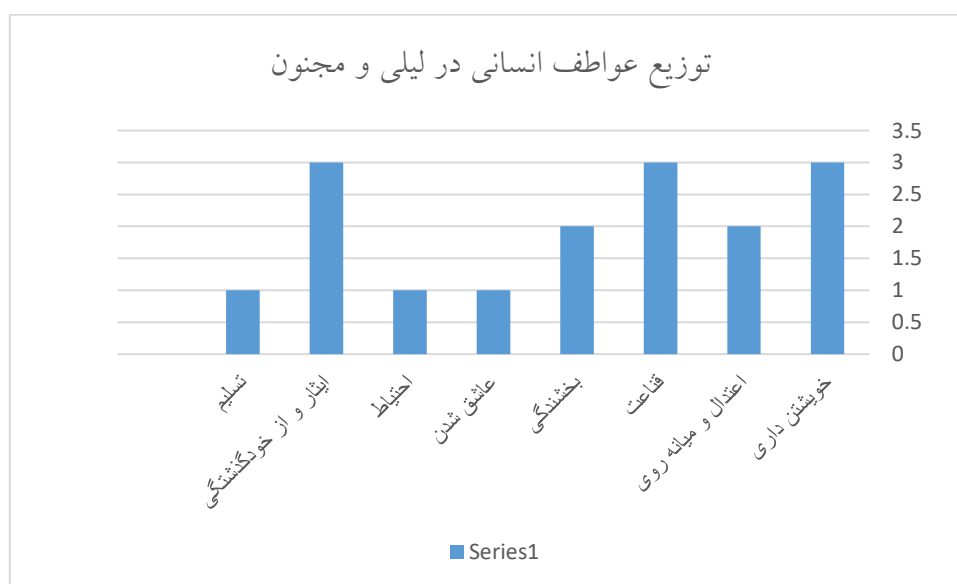
چون خصم ز تو سلاح ریزد با خصم فتاده کی ستیزد

ما کز تو چنین سپر فکندیم گر عفو کنی نیازمندیم

(۷)

زمانی که نوفل برای دومین بار به جنگ قبیله لیلی می‌رود آن‌ها را در هم می‌شکنند و تا حد نابودی کامل آن‌ها پیش می‌رود که بزرگان قبیله به نزد او رفته و به او می‌گویند که ما در برابر تو و سپاهت سلاحمان را بر زمین انداخته و سپرهایمان را رها کرده‌ایم و این نشان دهنده تسلیم ما در برابر شماست لطفاً صلح کن و پایان جنگ را اعلام کن.

تحلیل: این ابیات به‌شدت به تسلیم شدن و پذیرش قدرت حریف اشاره دارند. از منظر زبان بدن، تسلیم شدن در این ابیات با خم شدن، سر به زمین گذاشتن و حرکات تواضع‌آمیز نمایش داده می‌شود. این تسلیم نمادی از پذیرش کامل و بی‌قید و شرط قدرت بالاتر است. در سطح مفهومی، این اشعار نشان‌دهنده فرآیند عذرخواهی و پذیرش قضاوت معشوق هستند و از آن به‌عنوان یک حالت روحی و روانی عمیق در داستان‌های عاشقانه یاد می‌شود.



شکل ۱. توزیع عواطف انسانی در لیلی و مجنون

تعداد بسامد این عواطف در داستان لیلی و مجنون نشان‌دهنده تأکید بیشتر بر عواطفی است که در زبان بدن و رفتار شخصیت‌ها با تکرار بیشتر و تأثیر عمیق‌تری نمایان می‌شوند. عواطفی همچون خوشتن‌داری، قناعت، ایثار و از خودگذشتگی که بیشترین بسامد را دارند، با حرکات آهسته، کنترل‌شده و تسلیم در برابر عشق ارتباط دارند. در حالی که عواطفی مانند عاشق شدن، احتیاط و

این نمودار، توزیع عواطف انسانی در داستان لیلی و مجنون را به نمایش می‌گذارد و نشان می‌دهد که چگونه این عواطف در زبان بدن شخصیت‌ها تجلی یافته‌اند. در این تحلیل، عواطفی چون خوشتن‌داری، قناعت، ایثار و از خودگذشتگی اعتدال و میانه‌روی، بخشندگی عاشق شدن، احتیاط و تسلیم مورد توجه قرار گرفته‌اند.

تسلیم که کمترین تکرار را دارند، در موقعیت‌های خاصی در داستان و با حرکات جزئی‌تر و کمتر قابل مشاهده در بدن شخصیت‌ها به نمایش درمی‌آیند. این تحلیل می‌تواند به وضوح نشان دهد که چگونه زبان بدن و نشانه‌شناسی عواطف انسانی در *لیلی و مجنون* به توسعه‌ی شخصیت‌ها و پیام‌های اخلاقی و انسانی داستان کمک می‌کند.

- خویشتن‌داری، قناعت، ایثار و از خودگذشتگی هرکدام با سه بار تکرار، بیشترین بسامد را دارند، که این خود بیانگر اهمیت فراوان این مفاهیم در بطن روایت نظامی است. این ویژگی‌ها، همچون ارکان اصلی شخصیت‌های مذکور در زبان بدن آن‌ها به وضوح آشکار می‌شوند: حرکات آرام و خودکنترلی که از فروکش کردن احساساتش حکایت دارد و در عین حال، عشق بی‌پایان مجنون به لیلی را از طریق رفتارهای فداکارانه و تسلیم‌آمیز به نمایش می‌گذارد.

- اعتدال و میانه‌روی و بخشندگی با دو بار تکرار در مرتبه بعدی قرار دارند که از نقش اساسی آن‌ها در رشد شخصیت‌ها حکایت می‌کند. این ویژگی‌ها در شخصیت‌های داستان، به ویژه در رفتار لیلی، از طریق حرکات متوازن و نگاه‌های نیکوکارانه نمایان می‌شود؛ جایی که او از هیچ‌گونه افراط یا تفریطی پرهیز می‌کند و در حرکات دست یا صورت خود، پیامی از توازن و خیرخواهی منتقل می‌سازد.

- احتیاط، عاشق شدن و تسلیم، با یک بار تکرار کمترین بسامد را دارند، اما در عین حال تأثیرات عمیقی بر روایت و تحول شخصیت‌ها دارند. عاشق شدن، با حرکات چهره و حالات بدن که نشان‌دهنده اشتیاقی نهفته است، در کمترین تکرار خود نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. تسلیم و احتیاط نیز با حرکات ملایم و فاصله‌گذاری‌های معنادار، به شخصیت‌ها این امکان را می‌دهند که در برابر وضعیت‌های بحرانی و عشق بی‌پایان خود به نوعی پذیرش و آرامش برسند.

این نمودار تأکید دارد که لیلی و مجنون تنها یک روایت عاشقانه نیست؛ بلکه پیام‌های اخلاقی و انسانی عمیقی را در دل خود جای داده است. هر یک از این عواطف، که به صورت خاص در رفتار و زبان بدن شخصیت‌ها تجلی می‌یابند، نه تنها به پیشبرد داستان کمک می‌کنند، بلکه عمق درک انسانیت و پیچیدگی‌های درونی شخصیت‌ها را به نمایش می‌گذارند. از این رو، زبان بدن در این داستان نه تنها یک ابزار ارتباطی است، بلکه به منزله دریاچه‌ای است که به عمق عواطف و احساسات نهفته در دل شخصیت‌ها می‌نگرد و آن‌ها را برای مخاطب به وضوح آشکار می‌سازد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که زبان بدن و نشانه‌شناسی عواطف انسانی در «لیلی و مجنون» نقش اساسی در ساخت و تقویت ابعاد معنایی داستان ایفا می‌کنند. بررسی تعداد بسامد عواطف مختلف در این اثر، به‌ویژه عواطفی چون خویشتن‌داری، قناعت، ایثار و از خودگذشتگی که بیشترین تکرار را دارند، نشان می‌دهد که این احساسات از طریق نشانه‌های بدنی کنترل‌شده و حرکات آهسته، به‌ویژه در مواقعی که شخصیت‌ها در حال تسلیم شدن در برابر عشقاند، به عمق روابط انسانی و معنای اخلاقی داستان افزوده می‌شود. این نشانه‌ها در نهایت به درک بهتر از ابعاد درونی شخصیت‌ها و تعهدات اخلاقی آنان کمک می‌کنند و به طور غیرمستقیم به خواننده القا می‌کنند که ویژگی‌های فردی و اجتماعی این شخصیت‌ها به گونه‌ای پیچیده و چندلایه در متن ادبی نموده‌اند.

از سوی دیگر، عواطفی نظیر عاشق شدن، احتیاط و تسلیم که در مقایسه با دیگر عواطف بسامد کمتری دارند، در قالب حرکات بدنی کم‌تر مشهود و بیشتر نمادین، در موقعیت‌های خاصی از داستان به نمایش درمی‌آیند. این ویژگی‌ها نه تنها به غنای عاطفی اثر کمک کرده‌اند، بلکه با خلق لحظات پرفشار و پرتنش، دلالت‌های روان‌شناختی پیچیده‌تری از شخصیت‌ها را به مخاطب

درونی شخصیت‌ها و نیز معنای گسترده‌تر داستان را فراهم می‌آورد. بنابراین، این پژوهش نه تنها می‌تواند درک تازه‌ای از سبک ادبی نظامی را به دست دهد، بلکه زمینه‌ساز تحقیقات بیشتر در عرصه تحلیل نشانه‌شناسی و زبان بدن در متون کلاسیک فارسی و دیگر آثار مشابه خواهد بود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The role of body language and the semiotics of human emotions in literature has long been a subject of academic interest, particularly in Persian classical works, where nonverbal communication is interwoven with poetic and narrative structures. Nezami Ganjavi's *Layla and Majnun* serves as a profound example of this phenomenon, demonstrating how emotions such as generosity, moderation, self-sacrifice, falling in love, caution, submission, and contentment manifest through nonverbal cues and bodily expressions. This study investigates the representation of these emotions within the text using a semiotic and social psychology approach, examining how body language functions as an intrinsic mechanism for character development and thematic expression. The emphasis on gestures, facial expressions, and symbolic behaviors in *Layla and Majnun* not only enhances the narrative's emotional depth but

منتقل می‌کنند. به‌ویژه، تسلیم در برابر عشق و دل‌بستگی‌ها، به‌عنوان یکی از عواطف برجسته و با تأکید کمتر، از طریق ریزه‌کاری‌های بدن و رفتارهایی خاص به تدریج در ساختار داستان شکل می‌گیرد و در روند تکاملی شخصیت‌ها نقش بسزایی ایفا می‌کند.

این تحلیل نشان می‌دهد که زبان بدن، نه تنها ابزاری برای انتقال پیام‌های عاطفی و انسانی در سطحی ابتدایی است، بلکه به مثابه ابزاری پیچیده برای بازنمایی عواطف درونی و معانی اخلاقی عمیق در متن عمل می‌کند. استفاده از نشانه‌های بدنی و رفتارهای غیرکلامی در «لایلی و مجنون» به‌طور مؤثر، به تقویت و تعمیق روایت کمک کرده و امکان درک عمیق‌تری از تنش‌ها و تضادهای

also allows the reader to engage with the psychological intricacies of the characters in ways that transcend verbal articulation (1). By analyzing the nuances of body language, this study explores the relationship between semiotic structures and emotional constructs, highlighting how nonverbal communication reinforces the moral and philosophical undertones of Nezami's work (2). In doing so, this research posits that *Layla and Majnun* extends beyond a conventional love story, embodying a rich tapestry of socio-psychological discourses that are deeply embedded within its characters' nonverbal interactions.

The methodology of this study is qualitative and employs a descriptive-analytical framework, with a particular focus on content analysis, semiotics, and nonverbal linguistics to examine the role of body language in *Layla and Majnun*. This research adopts an interpretative lens, drawing upon semiotic

theories and social psychology perspectives to analyze how physical gestures and nonverbal cues contribute to meaning-making within the text. Data collection was conducted through an extensive literature review of critical editions of Nezami's *Layla and Majnun*, alongside secondary sources on nonverbal communication and semiotic analysis (3). The study also incorporates linguistic and literary theories to examine the intersection between verbal and nonverbal semiotics in classical Persian poetry. Within this framework, attention is given to the ways in which characters employ bodily movements to express complex emotional states, thereby revealing underlying psychological and ethical dimensions. The analysis further elucidates how nonverbal elements serve as conduits for expressing cultural and social norms of Nezami's era, demonstrating that body language in *Layla and Majnun* is not merely an artistic device but a deeply embedded communicative practice (5). Through an interdisciplinary approach, this research provides a comprehensive understanding of how nonverbal communication operates as a vital component of narrative construction and character portrayal in Persian classical literature.

The findings of this study underscore the centrality of body language in shaping the emotional and ethical fabric of *Layla and Majnun*. Several key emotional constructs—such as self-restraint, moderation, generosity, and self-sacrifice—are recurrently depicted

through nonverbal gestures, reinforcing the moral ethos of the text. For instance, Majnun's self-restraint is expressed through physical withdrawal and a deliberate avoidance of overt emotional displays, aligning with his ascetic devotion and spiritual transcendence (7). Similarly, Layla's modest and restrained demeanor, as reflected in her body posture and limited physical engagement, conveys societal constraints on female expression while simultaneously amplifying her emotional intensity. Generosity, another prominent theme, is depicted through gestures of giving and open-handedness, as exemplified in Majnun's interactions with his surroundings, where he frequently relinquishes material possessions in favor of spiritual fulfillment (4). Furthermore, acts of self-sacrifice are communicated through submissive body language, reinforcing the text's underlying message of unconditional devotion and divine love. By delineating these emotional states through nonverbal cues, Nezami crafts a multidimensional narrative in which body language becomes an essential vehicle for expressing themes of love, morality, and social order (6). The semiotic function of these gestures extends beyond individual character expression, serving as a broader commentary on cultural and ethical values within the Persian literary tradition.

A closer examination of body language in *Layla and Majnun* reveals a layered system of nonverbal semiotics that informs both character interaction and thematic

development. One of the most poignant examples is the use of eye contact and physical distance as indicators of romantic restraint and social decorum. Throughout the text, Layla and Majnun engage in “stolen glances” and “hidden encounters,” underscoring the tension between personal desire and societal expectation (8). The act of maintaining distance, while simultaneously conveying deep affection through fleeting visual exchanges, highlights the restrictions imposed by cultural norms while emphasizing the emotional intensity of their love. In addition to eye contact, physical gestures such as bowing, kneeling, and outstretched hands symbolize submission and supplication, further reinforcing the spiritual dimensions of the narrative. For instance, when Majnun releases his horse to save trapped gazelles, his self-effacing body language signals a rejection of materiality in favor of compassionate sacrifice (10). These moments of nonverbal communication deepen the reader’s understanding of the characters’ inner struggles, illustrating how body language functions as a bridge between personal emotion and collective morality. Moreover, the study highlights how acts of restraint, generosity, and devotion, when conveyed through nonverbal means, acquire a heightened significance that resonates across both literary and cultural contexts (9). The intricacies of body language in *Layla and Majnun* thus serve as a powerful testament to the role of semiotics in literary expression,

demonstrating how nonverbal cues enrich the narrative’s emotional landscape.

The discussion further explores the implications of nonverbal communication in *Layla and Majnun* within the broader context of Persian literary aesthetics and cultural representation. Nezami’s masterful use of body language as a storytelling device aligns with classical Persian traditions that emphasize implicit expression and symbolic articulation. The presence of nonverbal semiotics in the text reflects a sophisticated interplay between language and gesture, where physical expressions serve to complement and, at times, transcend verbal dialogue (1). This phenomenon is particularly evident in the portrayal of Layla, whose limited physical expressiveness mirrors societal expectations of female modesty while simultaneously heightening the intensity of her emotional turmoil. Similarly, Majnun’s erratic physical behavior—marked by restless wandering and disengagement from worldly affairs—epitomizes the theme of spiritual longing and self-denial. These nonverbal dynamics not only enhance the narrative’s emotional depth but also reinforce its philosophical and ethical undertones. By employing body language as a core narrative element, Nezami extends the expressive potential of his poetry beyond linguistic constraints, creating a text in which meaning is dynamically constructed through both verbal and nonverbal modalities (7). This study, therefore, situates *Layla and Majnun* within a

larger discourse on the intersection of semiotics, literature, and cultural identity, offering insights into how nonverbal communication operates as a fundamental mechanism in Persian literary tradition.

In conclusion, this research illustrates that body language and nonverbal semiotics in *Layla and Majnun* are not merely ornamental but serve as crucial elements of narrative structure and character development. Through an in-depth analysis of gestures, facial expressions, and symbolic movements, this study reveals how Nezami strategically employs nonverbal communication to convey complex emotional states and ethical ideals. The findings demonstrate that body language functions as a vital medium for expressing themes of love, devotion, restraint, and sacrifice, offering readers a richer and more immersive engagement with the text. Furthermore, the study highlights how nonverbal semiotics reinforce the socio-cultural dimensions of *Layla and Majnun*, providing a lens through which to understand the moral and philosophical currents underlying Persian classical literature. By bridging the fields of semiotics, social psychology, and literary studies, this research contributes to ongoing discussions on the role of nonverbal communication in literary analysis and cultural interpretation. Ultimately, the study affirms that *Layla and Majnun* transcends its status as a romantic epic, standing as a testament to the enduring power

of body language as a vehicle for storytelling and meaning-making.

References

1. Pahlavannajad MR. Non-verbal communication and the semiotics of body movements. *Journal of Language and Linguistics*. 2007;3(2).
2. Tavakoli A. Semiotics and non-verbal communication: Ferdowsi University of Mashhad; 1995.
3. Richmond V, McCroskey JC. Nonverbal behavior in interpersonal relations: A nonverbal communication textbook: Tehran: Agah Publishing; 2008.
4. Lewis D. Body language: The secret of success: Mashhad: Mehr Jalinus Publishing Institute; 2001.
5. Bagheri Khalili AA, Zolikhani M. Political analysis of body language in the history of Bayhaqi. *Text Research*. 2015;65:79-99.
6. Saussure Fd. Course in general linguistics: Tehran: Hermes; 1999.
7. Nezami EBY. Layla and Majnun: Tehran: Amir Kabir; 2015.
8. Farhangi AA. Non-verbal communication: The art of using gestures and sounds: Meybod: Islamic Azad University Publishing; 1995.
9. Farhangi AA. Foundations of human communication: Tehran: Rasa Cultural Services Institute; 1995.
10. Behnam M. Silent speech: A reflection on body language in the ghazals of Shams. *Literary Techniques Journal*. 2014;6(2).